

نگاهی به قانون اساسی ایران

کمیته حقوقی قانون هابیلیان

به مناسبت سالگرد تصویب قانونی اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی نشان دهنده اصول و ارزشهای هر کشوری است و به عنوان یک سند سیاسی و میثاق اجتماعی از جایگاه شامخی برخوردار است. در نیمه دوم قرن 18 در اروپا فکری که بر اثر نوشته های سیاسی این قرن به ویژه قرارداد اجتماعی اثر مشهور ژان ژاک روسو بوجود آمد و به تدریج در عرصه سیاست طرفدارانی پیدا کرد موضوع تدوین قانون اساسی بود. در ذهن دسته جات پیشرو سیاسی و انقلابیون، منظور از قانون اساسی برقراری تشکیلات منطقی قوای عالیه مملکتی بود که باید بنا به تصمیم ملت به موجب یک سند کتبی اعلام و برقرار می شد و معتقد بودند جامعه مدنی که بتواند توافق اعضای جامعه را جلب کند. باید بر اساس یک قرارداد اجتماعی که همان قانون اساسی به معنی امروزی آن است سازمان یابد و حقوق و تکالیف حکومت و شهروند در مقابل یکدیگر معین و مشخص گردد. وقتی در سال 1778 سیزده مستعمره انگلیس و آمریکا استقلال خود را اعلام کردند و یا در سال 1789 انقلاب کبیر فرانسه به وقوع پیوست انتشار اعلامیه های حقوق و تدوین قانون اساسی نخستین هدف انقلابیون قرار گرفت و به تدریج فکر تدوین قانون اساسی جنبه جهانی یافت و آزادیخواهان سایر کشورها نیز از این فکر استقبال کردند. اولین کشوری که به طور مستقل و به معنای امروزی قانون اساسی تدوین کرد آمریکا بود. در کشور ما اولین قانون اساسی در سال 1285 با الگو برداری از قانون اساسی فرانسه و بلژیک به تصویب رسید که به آن قانون اساسی مشروطه نیز می گویند و در زمان مظفر الدین شاه به تصویب رسید. مهمترین ویژگی جامعه شناختی قانون اساسی مشروطه این است که محصول تجربه اجتماعی جامعه ایران نیست و تقریباً اکثر قریب به اتفاق نهادهای مندرج در آن فاقد هرگونه سابقه در تاریخ ایران است، بلکه بسیاری از آنها رسماً و عملاً در تضاد و تباین کامل با عرفهای حقوقی و سنتهای اجتماعی متداول و حاکم در جامعه آن دوران قرار گرفتند. در حقیقت این عنوان - مشروطه - عنوانی است که برای نظام جدید انتخاب شده بود عاریه ای بود و مربوط به فرهنگ ایرانی- اسلامی ما نبود حتی آن تأثیری را که در صاحبان اصلی این تفکر عاریتی می توانست داشته باشد برای ما نداشت زیرا نظام کشور ما " نظام امت و امامت " است که مطابق با الگوهای قوانین اساسی دیگر کشورها نیست، از این رو بود که وظیفه تهیه و تدوین اولین قانون اساسی مستقل نظام جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر عهد اولین مجلس خبرگان نهاده شد تا خبرگانی آگاه به علوم روز در تدوین این قانون همه اصول دینی و ملی کشور را لحاظ کنند و پس از تدوین این قانون در 12 فصل و 175 اصل در مجلس خبرگان مردم با حضور خود در همه پرسه روزها 11 و 12 آذر 1375 به آن رای مثبت دادند. که البته این قانون اساسی در سال 68 مورد بازبینی و اصلاحاتی جزئی قرار گرفت.



اما این قانون بر چه اساس و اصولی شکل گرفت؟

اجمالاً همه می دانیم که زیر بنای فکری نظام اجتماعی برای آینده ایران - در آن زمان - نظامی اسلامی بود ، یعنی بر پایه ای اسلامی حرکت آفرین توأم با توحید ، قسط و عدل اجتماعی که می بایست تمام زیر مجموعه های این مفهوم را در خود جای دهد. زیر بنای اول در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ایجاد تداوم نظامی بود که مردم با انتخاب و گزینش خودشان آن را انتخاب کرده باشند و البته نظامی که با فرهنگ اصیل اسلامی و بومی باشد نه متحجر و انقلابی صرف . قدر مسلم در این قانون به کرامت و ارزشهای انسانی نیز به حد نهایت بها واهمیت داده شده است. در خطبه دویست وهفتم نهج البلاغه امام علی (ع) آمده است " ... در این میان خداوند حقوق متقابل در روابط اجتماعی انسانها را بخشی از حقوق خود رقم زده است که بعد از آن بزرگترین مسئله ، حقوق متقابل مردم و زمامداران است ... بی گمان از پست ترین حالت های زمامداران جامعه در نگاه مردم شایسته این است که بدین گمان متهم شوند که دوستدار ستایش اند و سیاست کشور داری شان برکبرورزی بنا یافته است " . آنچه در تدوین قانون اساسی و اصلاحه آن صورت گرفت ایجاد حکومتی منطبق با تمام آرا و اندیشه های مذهبی و ملی کشورمان بود تا وراي قوانین و افکار قانونگذاری غربی درکشور اسلامی ، قوانین اسلام حکمفرما باشد . ب - اما در آن ایام _ زمان تصویب قانون اساسی _ آرا و افکار و واکنش های متفاوتی در خصوص مراحل تصویب و سپس اجرای قانون مذکور بوجود آمد که جای تامل و بررسی دارد . جدا از نظریه فاطع مردم که با اعتماد و اعتقاد به مجلس خبرگان اول : که وظیفه تدوین قانون اساسی را برعهده داشت _ بودند گروهها و دسته جات مختلفی که با حرکت در مسیر جریان انقلاب خود را انقلابی و مردمی جا زده باشند اما رفته رفته رنگ تزویر از چهره شان کنار رود و مردم آنها را بهتر بشناسند . گروههایی که با شروع زمزمه های

ایجاد قانون اساسی مستقل ، متفاوت از مردم می اندیشند و می نوشتند . همان عده که بوی دیکتاتوری از قانون اساسی به مشامشان می رسید و آن را دیکتاتوری آخوندها می دانستند و صدای پای فاشیسم را گوشزد می کردند!؟

در میان چندین گروه معارض با اندیشه های مردمی ، سازمان مجاهدین خلق که خود را یکی از محرکین اصلی انقلاب می دانستند با شروع بحث فراندوم قانون اساسی ، در مطلبی با عنوان " از چه دیدگاهی در انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی شرکت کنیم " * به ابراز نظر و عقیده پرداخته بودند . نویسنده پس از اشاره به " قیام قهرمانانه خلق ایران تحت رهبری قاطعانه امام خمینی " مردم را به ادامه حرکت در مسیر انقلاب دعوت کرده که این مسیر بر شرکت در انتخابات مجلس تاکید شده بود .

در این مطلب نویسنده با ژست یک انقلابی پیشرو سعی در تشویق شدید "توده ها " به شرکت در انتخابات می کرد و سپس در ادامه مطلب عنوان شده بود که " از دیدگاه 14 سال مبارزه انقلابی که ثمره آن آبدیده شدن مجاهدین است [؟!] در این انتخابات شرکت می کنیم " . و کمی بعد از آن در شماره دوم نشریه مجاهد دلایل شرکت سازمان در انتخابات به صورت تیتروار با عناوین ؛ " پاسداری از ارزشها مکتبی ، اسلام راستین ، پاسداری از دستاورد های انقلابی و بسیج توده ، پاسداری از آزادی ، پاسداری از جنبه های وحدت ضد امپریالیستی با دولت حاضر ، و پاسداری از وحدت نیرو های ترقی خواه مسلمان " بیان شده بود . در این مطلب عدم شرکت در انتخابات با توجه به دلایلی غیر قابل توجیه دانسته شده و عنوان شده " وفاداری به وظایف و رسالتها مرامی و انقلابی شرکت هر چه فعالتر ما را اقتضا می کند " نشریه مجاهد در آن ایام علاوه بر این که سعی در القای حضور نشریه ای متفاوت ، مردمی و اسلامی را داشت و با نوشتن تحلیل ها و انجام مصاحبه با افراد مختلف به زعم خود سعی در تشویق و حرارت بخشیدن به مردم را داشت اما در همان حال از الگوها و انگاره های یک قانون اساسی اسلامی مارکسیستی نیز دفاع می کرد . در نشریه شماره 2 در مطلبی با عنوان " قانون اساسی و حیاتی ترین مسائل جامعه " عنوان شده که قانون اساسی یک ایدئولوژی و مکتب است که به محک آزمایش گذاشته شود و همچنین سازمان از مسئولیت تاریخی خود سخن می گوید که باید در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که یک سند ایدئولوژیک است نقش فعالی داشته باشند . در آن مقطع چنانکه گفته شد با کمی دقت اهداف و مطامع سازمان از تشویق مردمی جهت شرکت در انتخابات قابل درک و ملموس بود که می توان طلب حضور و نقش آفرینی در جریانات کلان نظام و تاثیرگذاری بر افکار عمومی و تحت سلطه خود قرار دادن کشور را از آن جمله ارزیابی کرد .



مسعود رجوی که در آن ایام به عنوان رهبر پرشور و آگاه به مسائل روز - البته بنا به تعریف خود و در اندیشه نیروهای سازمان - شناخته می شد در نشریه شماره 3 مجاهد نوشت: "اگر جامعه را به یک کشتی تشبیه کنیم با تدوین قانون اساسی مشخص کرده ایم که این کشتی به چه سمت خواهد رفت." چنین اظهاراتی که بدو می توانست مورد استقبال عام واقع شود و نشانی از آینده نگری در آن دیده شود، بعداً مشخص گردید که زمینه و مقدمه طغیان بر ضد اصول مردمی مجتمع در قانون اساسی بود. با پیروزی قاطع مردم در انتخاباتی که قانون اساسی آن بنا به درخواست مردم بر مدار اصول دموکراسی و مردم سالاری اسلامی بنا نهاده شده بود سازمان به دلایل متعدد نتوانست خود را در چشم مردم پررنگ جلوه دهد و طبیعی بود وقتی نتواند در جریان تشویق و تصویب قانون تاثیر گذار باشد سهم خواهی از آینده نظام نیز چندان معقولانه به نظر نمی رسد. و از این جا بود که با مقدمه گذشته، فاز دوم اجرایی سازمان که همانا عریانی چهره در نفاق و عناد با آرمانهای مردم بود عیان گردید.

سازمان چنانکه پیشتر گفته شد سعی در تشویق حضور مردم در صحنه انتخابات داشت تا در هر صورت خود را یکی از برندگان میدان معرفی کرده باشد. در مورد اول سازمان گمان می کرد پس از پیروزی در انتخابات درصد بالایی از حضور مردمی به واسطه تبلیغات سازمان برای شرکت مردم در انتخابات به پای این سازمان نوشته خواهد شد و سازمان می تواند در آینده سیاسی ایران قدرتی کسب کند. در مورد دوم در صورت عدم تحقق خواسته هایشان بنای ناسازگاری را خواهند گذاشت و از آنجا که پیش از انتخابات مردم را به شرکت گسترده دعوت کرده اند و خود را به عنوان نیروهای انقلابی جا زده اند می توانند به عنوان نیروهای انقلابی از عدم تحقق شعارها و ارزشهای انقلابی داد سخن به میان آورند و در حقیقت سازمان پس از انتخابات شیوه دوم را دنبال نمود چنانکه پس از عدم رضایت در نتیجه انتخابات در نامه ای به امام خمینی(ره) ادعا کردند در انتخابات تقلب گسترده ای صورت گرفته است. و در ادامه فاز مذکور سازمان با رجوع به شیوه های مذبوم خیری، پس از عدم رضایت در نتیجه انتخابات با بزرگنمایی مشکلات اجتماعی و زیر سوال بردن نیروهای انقلابی و نزدیک به امام سعی در به زیر سوال بردن اصل انقلاب و حرکتهای

انقلابی داشت اما این مساله از ترس واکنش‌های مردمی به صورت واضح بیان نمی شد بلکه همان گونه که بیان شد با بزرگنمایی مشکلات اقتصادی ، معیشتی و اجتماعی سعی در بی کفایت جلوه دادن نظام داشتند ، ضمن این که با تبلیغاتی گروهی تلاش می نمودند تا در لفافه به مردم بفهمانند که ضرورت حرکت و انقلابی دیگر ایجاب می کند که مخالفتها و نافرمانی ها جهتی تازه ه خود بگیرد این رویه با آغاز شروع خود تا به امروز به شدیدترین وجهی هرروز جنبه افراطی تر به خود گرفته و پس از طرد سازمان از درون کشور تا کنون ادامه داشته است اما حضور مردمی در تمامی عرصه ها، بخصوص انتخاباتهای پیاپی، باعث شده این افکار مذموم همیشه و همیشه فقط در ذهن سازمان و اندک هواداران آن بالا و پائین شود .

<http://www.habilian.com/view.asp?ID=00847>